

تربیت دینی کودک در سیره نبوی

امیرحسین آزاد

چکیده

تربیت دینی تغییراتی است که در تفکرات و تعاملات فرد برای ایجاد نوعی رفتار خاص رخ می دهد و منطبق بر قواعد و ضوابط دینی می باشد. این قواعد از متون و منابع مذهبی استخراج شده اند. به واسطه این تغییرات تعاملات شخص، صبغه دینی به خود می گیرد و مطابق خواسته های مذهب شکل می گیرد. تربیت کودکان پیش از تولد آنان آغاز می گردد و تا پایان هفت سال سوم عمر کودک ادامه می یابد. پرورش مذهبی کودکان بر اساس آموزه های اسلام ناب، علاوه بر آثار فردی و خانوادگی، تاثیراتی انکار نشدنی در تشکیل جامعه ای سالم با رویکرد دین گرایانه دارد. در این تحقیق سعی بر بیان اصول تربیت کودکان با تکیه بر سنت نبوی شده است.

کلیدواژه: تربیت دینی، مراحل رشد، تربیت کودک، سیره نبوی.

مقدمه

مهمترین و اصلی ترین بخش سرمایه انسانی در هر جامعه کودکان هستند. آن ها تعیین کننده آینده جامعه خویش هستند. تربیت کودکان از مهمترین دغدغه های اصلی پدر و مادر به شمار می رود. اگر پدر و مادر تربیت کودک خود را با توجه به اصول و آداب مذهبی و دانش تربیتی شکل گرفته در این چارچوب صورت دهند، تاثیر بسیاری در سعادت فرزند خویش و جامعه خواهند گذارد. مهم ترین منبع استخراج این اصول و کتاب شریف و سنت معصومین علیهم السلام می باشد. با توجه به اهتمام بسیار پیشوایان معصوم در بیان اصول و قواعد تربیت کودکان و نوجوانان، استخراج این قواعد با تکیه بر این امور دشوار نمی باشد. بدیهی است پس از استخراج این اصول باید در چارچوب این قواعد به تولید نظریات و دانش در حیطه علوم تربیتی و روانشناسی پرداخت تا در نهایت به مجموعه کامل و کاربردی در زمینه تربیت کودک و نوجوان دست یابیم.

¹ طلبه پایه ششم مدرسه آل یاسین.

در این تحقیق با استناد به برخی از روایات پیامبر اکرم، اصول و مراحل تربیت دینی استخراج شده و با یافته های علم روانشناسی، تطبیق شده تا یافته ها، بصورت کاربردی بیان شوند.

در مسائل تربیتی و نحوه برخورد پیامبر گرامی اسلام با کودکان همچنین برخورد ایشان با خانواده خود، تحقیقات بسیاری به رشته تحریر درآمده است. فاطمه محمدی نویسی، در «تربیت کودک از منظر نبوی» به جمع آوری روایات در زمینه تربیت کودک از دیدگاه پیامبر و استخراج برخی قواعد کلی تربیتی پرداخته اند. ابوتراب هدایی در «چگونه اسلام به تربیت کودک اهمیت می دهد» به بعد پرورش عزت نفس در کودکان در اسلام پرداخته است. محمد رضا پراز و همکاران در مقاله «تربیت کودک از دیدگاه اسلام» به بیان کلیات تربیتی با تکیه بر روایات پرداخته است. با این همه هیچ یک از تحقیقات پیشین به مطالعه تطبیقی اصول اسلامی و قواعد روانشناسی نپرداخته اند.

تربیت دینی

تربیت در لغت از ماده ربو به معنای بزرگ شدن، رشد و نمو پیدا کردن است (لسان العرب، جلد ۵ ص ۱۲۶) و در اصطلاح روانشناسی به گونه های مختلف تعریف شده که مهم ترین و معروف ترین آن دو تعریف است. تربیت یعنی ایجاد تغییرات تحول بخش در محیط زندگی انسان به منظور شکفتن و ثمربخشی استعداد های فرد (علی قائمی، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، ص ۱۰۱). همچنین یعنی شکوفایی قوای جسمی و روحی برای رسیدن به کمال مطلوب و انتقال آن به دیگران اعم از جامعه فعلی و آینده (همان، ص ۱۵).

تربیت دینی یعنی کنترل اخلاق و پایبندی به ضوابط فردی و اجتماعی که از سرچشمه روایات و آیات نشأت میگیرد و موجب رشد معنوی فرد می گردد. دین می تواند تقویت کننده وجدان اخلاقی و بازدارنده ای کنترل کننده باشد. اگر تربیت دینی بر اساس اندیشه یک مذهب استوار باشد، موجب رشد و پیشرفت فرد میشود (همان ص ۴۲ و ۸۲)

اهمیت کودک و تربیت

روانشناسان و پژوهشگران تربیتی از دیرباز درباره کودک و اهمیت دوران کودکی تحقیقات زیادی انجام داده اند. آن‌ها توجه فروانی به سیر تکاملی کودک از آغاز تولد و ارتباط آن با روان کودک داشته اند. آن‌ها نقش تجارب کودکی را برای کسب شخصیت سالم و ارتباط آن با مراحل مختلف رشد بخصوص بزرگسالی بسیار موثر می دانند. اما در گذشته در عصر جاهلیت هم زمان با نزول قرآن، دیدگاهی مخالف این دیدگاه وجود داشت به نحوی که برخی از اقوام، کشتن کودکان را حق والدین می پنداشتند.

کودک در زبان دین جایگاهی بسیار ویژه دارد و باید مورد تکریم واقع شود تا در آینده، سازنده نسل نو باشد. کودک از آن جهت که آفریده ای از مجموع آفریده های خالق هستی است مورد اهتمام بوده به نحوی که در روایات بسیاری از ائمه معصومین، به آن اشاره شده است. برای مثال پیامبر اکرم در جامعه ای که با کودک برخورد ناشایست صورت میگرفت، به روشنگری و هدایت اندیشه ها پرداخت و داشتن فرزند صالح را هم از سوی والدین و هم جامعه مورد ستایش قرار داد تا با جهت دهی افکار، تصویری شایسته از کودک در ذهن ها به جای بگذارد.

رسول خدا فرمود: «فرزندان نور دیدگان ما و خردسالان نشان، فرمان روایان ما هستند». (مستدرک الوسائل، ج ۱۵ ص ۱۱۲) همچنین فرمود: «هر درختی میوه ای دارد و میوه دل فرزند است». (کنز العمال، ج ۱۶ ص ۴۵۷) ایشان داشتن فرزند نیکو را مایه خوشبختی دانسته (وسائل الشیعه، ج ۷ ص ۹۷) و او را به گل تشبیه کرده. (بحار الانوار، ج ۱۰ ص ۲۹۲) آن حضرت فرزند صالح را ریحان معرفی کرده که خداوند به بندگانش عطا میکند. (بحار الانوار، ج ۱۰ ص ۲۹۲) ریحان در لغت به معنای بوییدنی است و در اصطلاح به چیزی که غم و اندوه را از بین می برد تشبیه شده. همچنین ریحان به چیزی گفته می شود که رزق و روزی را افزایش می دهد (بحار الانوار، ج ۱۰ ص ۳۱۵). همچنین فرمود: «خانه ای که در آن کودک نباشد، برکت ندارد». (نهج الفصاحه، ج ۲ ص ۱۰۳). ایشان بوی فرزند را از بوی بهشت - که نماد تکامل و تعامل می باشد - دانسته و جایگاهی بس عظیم برای آن قرار داده است. (محجه البیضاء، ج ۳، ص ۴۳۷)

علی رغم تعریف ها و بیان های متفاوتی که از رسول اکرم در باب اهمیت کودکان بلاخص داشتن فرزند نیکو وجود دارد، روایاتی نیز در باب اینکه فرزندان موجب دل بستگی و وسیله آزمایش خانواده هستند وارد شده. رسول اکرم فرموده است: «فرزندان میوه دل و نور دیدگان والدین اند در حالیکه موجب حزن و اندوه آنان اند». (مستدرک الوسائل، ج ۱۵ ص ۱۱۳) داشتن فرزند موجب حب به بقاء می شود و انسان را از مشارکت در

جهاد باز می دارد. همچنین موجب ترس از انفاق می شود و حب به دنیا را به همراه دارد (لسان العرب، ج ۲ ص ۱۷۲). خداوند به واسطه فرزند، انسان را آزمایش میکند تا ببیند تا چه حدی به وظایف دینی و تکالیف الهی خود پای بند می ماند و از دنیا و ذخارف آن دوری می ورزد. (بحار الانوار، ج ۳ ص ۳۱۸)

ائمه معصومین در سیره خود با توجه به مراحل مختلف رشد کودک، اصولی برای تربیت اعمال می کردند. همچنین معیارهایی برای تربیت فرزندان قرار دادند تا با عمل به آنها، زمینه تربیت دینی و نیکو کار گشتن فرزندان فراهم گردد.

تربیت کودکان از جنبه های مختلف فردی و اجتماعی قابل بررسی است. از رسول اکرم در باب آموزش های آداب فردی و اجتماعی سخنان زیادی ذکر شده. آن حضرت فرمود: «به فرزندان خود احترام بگذارید و آنان را نیکو تربیت کنید». (کنز العمال، ج ۱۶ ص ۴۵۶) همچنین از دیدگاه ائمه معصومین بهترین و با ارزش ترین میراثی که از پدر و مادر برای کودک بر جای می ماند، ادب و تربیت نیکو است. (تحف العقول ترجمه احمد جنتی، ص ۲۹)

اهمیت داشتن فرزند خوب، انقدر دارای جایگاه عظیمی است که رسول اکرم و ائمه معصومین برای داشتن آن، دعا می کردند. از طرفی از شر فرزند بد تربیت، به خدا پناه می بردند. (طباطبایی، سنن النبی، ص ۲۰۷) آن حضرت فرمود: «وای بر فرزندان آخر الزمان از پدرانشان. عرضه شد: از پدران مشرک آنان؟ فرمود: از پدران مسلمانان که هیچ یک از فرائض دینی را به فرزندانشان آموزش نمیدهند و اگر آنان اداء فرائض کنند، باز داشته می شوند. من از این قبیل پدران بیزارم». (مستدرک الوسائل، ج ۱۵ ص ۱۶۸)

همانا فرزندی که در کودکی به درستی تربیت نشود، در آینده از فرامین آنها سر باز خواهد زد و اهل نیکی به پدر و مادر خود نخواهد بود و احتمال انحراف آنان به حدی است که رسول خدا، از داشتن چنین فرزندی به خدا پناه می برد. روایات و سخنان مذکور، گوشه ای از دریای وسیع روایات این باب است. علاوه بر کودک و تربیت آن در سنین کودکی، مراحل تربیت نیز بسیار مهم است.

مراحل تربیت و اهمیت آن

طبق نظر کارشناسان و نظریه پردازان علوم تربیتی هر مرحله ای از مراحل تربیتی مقتضی رفتار و کنشی خاص است. در هر دوره فرد بایست با برآورد شرایط و آسیب های ممکن برای این امر مهم تصمیم گیری کند. طبق روایات زیادی که از معصومین در باب مراحل تربیتی رسیده، می توان یک دوره کامل تربیتی را، به شش مرحله حساس تقسیم کرد. هر یک از این مراحل رابطه تنگاتنگی با شکل گیری خلقی کودک دارد.

مرحله نخست به قبل از انعقاد نطفه بر میگردد. توصیه های پیامبر به مردان در مورد انتخاب همسر نیکو و صالح بیانگر همین نکته است. ایشان فرمود: «از ازدواج با زنان نادان پرهیز کنید زیرا زندگی با آنان دردسر، و فرزندان شان ضایع و تباه می گردند». (وسائل الشیعه، ج ۱۴ ص ۵۶) همچنین ادعیه وارده در این بخش ادعیه قبل از انعقاد نطفه بیانگر تاثیر حال روحی پدر و مادر در این امر است. (تحف العقول، همان ص ۱۵)

مرحله دوم دوران جنینی است. طبق نظر روانشناسان، علاوه بر نوع تغذیه مادر در این زمان آرامش و عدم اضطراب مادر، در تناسب حال روحی جنین تاثیر گذار است. از نظر روانشناسان، حالاتی همچون ترس، اضطراب و خشم مواد شیمیایی ایجاد میکند که این مواد از طریق عصب ها وارد بدن جنین می شود و دروی اثر میگذارد. (روان شناسی رشد، ج ۱ ص ۱۷۲) توصیه های نبی اکرم در باب مهرورزی و محبت به مادر در دوران بارداری، اشاره به همین نکته دارد.

مرحله سوم مرحله نوزادی است. از لحاظ روانشناسی این دوره شامل دو هفته نخست زندگی کودک میشود. این دوره بسیار مورد توجه ائمه معصومین قرار گرفته به نحوی که رعایت آداب بسیاری در این مرحله وارد شده. از قبیل این آداب:

سیره نبوی در گفتن اذان و اقامه در گوش فرزندان خود است. همچنین آمده که ایشان روزی که امام دوم شیعیان، امام حسن به دنیا آمد علاوه بر اذان و اقامه، آیت الکرسی، سوره اخلاص و فاتحه آیات انتهایی سوره حشر را نیز تلاوت کردند. (مستدرک الوسائل، ج ۱۵ ص ۱۳۷) این شعارها به ویژه در بدو تولد، موجب اثر گذاری ناخود آگاه در ضمیر کودک می گردد و در اعماق روح و جان او اثر می گذارد.

از رسول اکرم نقل شده که وقتی امام حسن به دنیا آمد دو قوچ ابلق عقیده کرد. (بحار الانوار ترجمه محمد جواد نجفی، ج ۱۰ ص ۲۸۵). عقیده در لغت از ریشه عق بمعنای شکافتن است. از این حیث به آن عقیده گفته می شود زیرا حلقوم مذبوح را می شکافتند. (محجه البیضاء، ج ۹ ص ۳۲۴) بنابراین یکی دیگر از سنت های وارد شده در زمان نوزادی، عقیده کردن برای نوزاد و صدقه دادن آن است. بدون شک این ولیمه، موجب تکریم پدر و مادر و به سبب آن خرسندی آن دو از تولد نوزاد می شود و این خرسندی رابطه مستقیم در روحیه نوزاد خواهد داشت.

همچنین یکی دیگر از مسائل مهم در زمان نوزادی انتخاب نام نیکو برای فرزند است. همانطور که رسول اکرم در روز هفتم ولادت حسنین، در مورد نام گذاری نیکو با امام علی گفتگو کرد. (سنن النبی، ص ۱۵۸) ایشان نام نیکو را از جمله حقوق مسلم فرزند بر پدرش معرفی کرده. (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۱۷) رسول اکرم فرمود: «اولین چیزی که مرد به فرزند خود می بخشد، نام است پس باید برای او نام نیک برگزیند». (کنز المال، ج ۱۶ ص ۴۲۳) همچنین ایشان، یکی از راه های جلب محبت دیگران را نام نیک می دانست (سنن النبی، ص ۱۰۶) شاید بتوان تغییر نام برخی اعراب جاهلی بعد از اسلام را از این باب تلقی کرد. اعراب جاهلی کودکان خود را با نام بت هایشان نام گذاری می کردند. حتی در برخی مواقع از اسماء حیوانات و اسماء اصوات برای کودکان خود انتخاب می کردند. همچنین به این دلیل که آن زمان ملاک مردانگی در جنگ آوری خلاصه می شد، نام هایی همچون حرب روی فرزندان خود قرار می دادند تا بدین وسیله مایه رعب و وحشت دشمنان گردند. (المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴ ص ۶۵۶) پیامبر اکرم نام نیکو نهادن را جایگزین این سنت غلط کرد تا افراد از اثرات مخرب این اسامی بر روی فرزندان، محفوظ بمانند. (وسائل الشیعه، ج ۷ ص ۱۲۴-۱۲۹). بدون شک نام نیکو بر روح و روان فرزند اثر می گذارد، منشا الهامات خیر می گردد و برای او اعتماد به نفس و رضایت از خویش به ارمغان می آورد بخلاف نام های ناپسند که موجب حقارت می گردد.

اهمیت تغذیه از شیر مادر در دهه اخیر بسیار مورد توجه پزشکان و روانشناسان بوده است در حالیکه قرآن و ائمه معصومین بیش از هزار سال پیش بر این مسئله اهتمام داشته اند. شیر مادر در تربیت و خلق کودک بسیار موثر است و ویژگی های خلقی شخص شیرده، بواسطه شیر به نوزاد انتقال پیدا می کند. این رسم در اعراب جاهلی نیز وجود داشت تا آن که اگر مادر عذری از شیر دادن فرزند خود داشت، از بهترین و اصیل ترین زنان به عنوان دایه برای شیر دهی به فرزندان خود استفاده می کردند. (المفصل فی تاریخ العرب قبل

الاسلام، ج ۴ ص ۶۴۳) پیامبر اکرم نیز بر این روحیه که منشا آن فطرت انسانی بود، بسیار تاکید داشتند زیرا بر جنبه های روانی و روحی کودک موثر بوده است تا آنکه ایشان شیر را موجب تغییر خلق و خوی کودک دانسته اند. (نهج الفصاحه، ج ۲ ص ۸۲۲)

این موارد تنها برخی از آداب و سنن دوران نوزادی است و برای موارد بیشتر می توان اختتام نوزاد در روزهای ابتدایی، تحنیک و نرم کردن لب و دهان نوزاد با خرما و مژدگانی دادن مادر هنگام شنیدن خبر از این قبیل است (مستدرک الوسائل، ج ۱۵ ص ۱۳۸). همه این موارد دارای دلائلی هستند که بسیاری از آن ها امروز مورد توجه روانشناسان و پژوهشگران قرار گرفته. هر چند نسبت به بسیاری از این نکات، مغفول واقع شدند.

– مرحله چهارم رعایت اصولی در هفت سال اول زندگی کودک است. رسول اکرم فرمود: «فرزند هفت سال آقایی میکند، هفت سال خدمتگزاری می کند، هفت سال مشاوره میدهد». (کنزالمال، ج ۱۶، ص ۴۴۲) سید در لغت به معنای سروری و آقای است. (فرهنگ عمید، ذیل واژه سید) با توجه به اهمیت زمان در هفت سالگی ابتدایی، ایشان این دوره را سیادت نامیده است که فرزند در آن سروری می کند. در این دوره فرزند باید بیش از هر وقت مورد توجه قرار گیرد و در حکم آقایی باشد که همه به او احترام می گذارند. در این دوره باید دائما فرزند مورد تکریم واقع شود و از اهانت و تحقیر دور باشد. در این مدت فرزند نباید مورد امر و نهی واقع شود بلکه او امر می کند همان طور که پیامبر فرمودند: «خردسالان نشان فرمان روایان ما هستند». (میزان الحکمه، ج ۱۴ ص ۸۰) در برخی از روایات این آزادی در امر کردن توضیح داده شده و به آزادی در بازی کردن تفسیر شده است. در روانشناسی نیز معتقدند هر چقدر کودک در این دوره به فعالیت های کنجکاوانه و بازی های کودکانه پردازد، قوه ابتکار و خلاقیت او بیش از پیش تقویت پیدا می کند. (روان شناسی رشد، ج ۲ ص ۷۸) مراد از آزادی در این دوره این نیست که کودک رها شود و او را به حال خود واگذارند بلکه به این معناست که او را تحت فشار در انجام کاری قرار ندهند تا خود تصمیم بر انجام گیرد. (پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۲۲) البته همین آزادی در مسائلی که منجر به خلافت با شرع می گردد، ب واسطه قرائنی که از شرع به ما رسیده محدود می گردد که بیان آن در این مجال نمی گنجد.

– مرحله پنجم هفت سال دوم زندگی کودک است. در این دوره کودک نه بازی گوشی دوره اول را دارد نه مشکلات دوره سوم-بلوغ- (روانشناسی رشد، ج ۱ ص ۲۶۴) بنابراین روحیه اطاعت پذیری در او بیشتر می شود. به همین جهت است که پیامبر اکرم این دوره را، دوره خدمتگزاری معرفی کرده اند. در این دوره تعلیم و تربیت ارزش ها اهمیت بسیاری دارد زیرا این روحیه، بیش از پیش در او وجود دارد. در این دوره تربیت دینی فرد به صورت مستقیم شروع می شود که این تربیت، آموزش برخی از اصول دینی به کودک است. این آموزه های دینی، دایره وسیعی از افکار و اعمال را شامل می شود که مهم ترین آنها دو چیز است:

آموزش نماز: پیامبر اکرم فرمود: «کودکان خود را در هفت سالگی به خواندن نماز امر کنید و به آنان نماز یاد دهید و در ده سالگی آنان را به خاطر ترک این کار تنبیه کنید و در این سن محل خوابیدن آنها را از هم جدا کنید». (کنز العمال، ج ۱۶ ص ۴۳۹) در این روایت به خوبی بر این مسئله تاکید شده تا آن که ایشان امر به تنبیه در صورت ترک نماز داده اند. این تنبیه به خاطر وجود همین روحیه در کودک است زیرا او به روحیه مسئولیت پذیری رسیده و باید در قبال آن به والدین خود پاسخگو باشد. علی رغم اینکه سن وجوب نماز هفت سالگی نیست اما به دلیل تبعیت و تاثیر پذیری فرزندان، امر به این کار شده. هر چند دلالت امر در این روایت شریف، بر موضوع له خود نیست زیرا برای آن معارض وجود دارد بلکه مراد آشنایی و عادت کردن کودک است تا هنگام رسیدن به تکلیف، امر بر او آسان شود. از لحاظ روانشناسی کودک از هفت سالگی بخصوص ده سالگی خواستار کمال و سعادت است و برای کسب معنویت به خداوند روی می آورد. در هشت سالگی سعی می کند تا روابط دینی و الهی خود را استوار سازد و این امر تا دوازده سالگی ادامه پیدا می کند تا اینکه در سنین دوازده سالگی به اوج خود می رسد و عشق به عبادت پیدا می کند. (قائمی، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، ص ۳۳ و ۵۵)

آموزش قرآن: جنبه دیگر تربیت کودک در این سن، آموزش قرآن در سه جنبه مفاهیم، قرائت و روخوانی است. پیامبر اکرم می فرماید: «فرزندان خود را بر سه پایه تربیت کنید: محبت ورزیدن به پیامبر، اهل بیت و قرآن». (کنز العمال، ج ۱۶ ص ۴۵۶)

– مرحله ششم هفت سال سوم زندگی کودک است. طبق روایت نبی اکرم در این دوره به فرزند لقب وزیر و مشاور داده شده. وزیر در لغت از وزر مشتق شده و به معنای پناهگاهی است که برای رهایی از هلاکت به آن

پناه می برند. (مصباح المنیر، ذیل ماده وزر) استفاده از لقب وزیر به کودک در این دوره به این معناست که والدین می توانند بر کودک خود تکیه زنند و او سنگینی امور و دشواری های مربوط به خانواده را از دوش والدین بردارد. زیرا او در این مرحله به رشد قابل توجهی رسیده که می توان در امور به او تکیه کرد. از لحاظ روانشناسی این دیدگاه، در رشد نوجوان اثر ملموسی دارد زیرا در این دوره او دچار گمگشتگی هویتی است و دنبال نقشی که با او تناسب دارد می گردد تا آن را برای خود برگزیند. بنابراین این تایید در برابر وظائفی که به او سپرده شده، به زودی منجر به پیدا کردن نقش و از بین رفتن این گمگشتگی می گردد. (روانشناسی رشد، ج ۲ ص ۷۸۲)

اصول تربیت کودکان

آن چه بعد از بررسی روایات، در باب تربیت کودک به دست می آید این است که تمامی آداب به پنج اصل کلی بر می گردد که منشا تمامی آن هاست.

محبت

با الگو قرار دادن پیشوایان دینی در مسائل مختلف می توان دریافت که آن ها در برخورد های خود با مردم بالاخص کودکان با محبت و ملایمت برخورد می کردند. آن ها که مظهر اخلاق قرآنی بودند الگوی شفقت و مهرورزی بوده اند و دامنه لطف آن ها شامل همه می شد. از پیامبر اکرم در مورد محبت به کودکان آمده: «از ما نیست کسی که به بزرگان ما احترام نکند و به کوچکان ما رحم نوزد» (محجه البیضاء، ج ۳ ص ۳۶۵) هم چنین از ایشان نقل شده: «خداوند به خاطر محبت ورزیدن انسان به فرزندش، به او رحم میکند» (همان ص ۳۷۰). ایشان همواره سعی بر ایجاد الفت و محبت میام مردم می کردند و مظاهر قساوت و سخت دلی را مورد انتقاد قرار می دادند. ایشان حتی به کوچک ترین مظاهر ایجاد محبت اشاره داشته اند و فرموده اند: «کسی که فرزندش را بیوسد خداوند برای او پاداش می نویسد» (ویائل الشیعه، ج ۷ ص ۱۹۴) ایشان در مذمت شخصی که گفت من ده فرزند دارم و هرگز هیچ یک از آنان را نبوسیده ام فرمود: «کسی که رحم نکند، مورد ترحم واقع نمی شود. کسی که به کودکان ما رحم نکند به بزرگان ما عزت و احترام نگذارد و از ما نخواهد بود». (بحار الانوار، ج ۱ ص ۳۲۰) در بسیاری از موارد رسول خدا در حال مهرورزی به حسنین دیده می شد. ایشان آن ها را می بوسید و با آن ها در اوج عطف و مهربانی بازی می کرد. این نوازش های پدرانه مختص به خانه

نبود بلکه در خارج از خانه و در مسجد نیز در میان منبر و یا نماز ادامه داشت. یکی دیگر از مصادیق محبت به کودک در سیره عملی رسول خدا، شوخی با کودک بود که این مسئله توجیه روانشناسی هم دارد. حضرت رسول در تأیید بازی در سنین کودکی فرمود: «میل بسیار برای بازی در کودکی، نشانه پختگی و زیادی عقل در بزرگی است» (نهج الفصاحه، ج ۲ ص ۶۰۲) آری رسول اکرم به نکته ای اشاره فرموده اند که به تازگی روانشناسان بزرگ به آن رسیده اند. روانشناسان معتقداند که بازی و شیطنت کودکی، موجب تخلیه انرژی های منفی و زائد جسمی و روحی می گردد و باعث می شود کودک، بزرگسالی آرامی را تجربه کند. (روانشناسی رشد، ج ۱ ص ۲۲۹) خوش رویی و مهربانی رسول خدا بعد از نماز به حسنین بیانگر اهمیت محبت برای پذیرفتن اعمال دینی و مذهبی بوسیله کودکان است. هم چنین حضور عاطفی خدا کثرتی ایشان در خانه و خارج از آن نیز نشانگر همین مطلب است. این سیره نشان می دهد که نقش پدر یا پدر بزرگ مختص به حمایت های مالی نیست بلکه از حیث اثر پذیری و حمایت های عاطفی نیز نقش بسیار موثری دارد.

تکریم

اکرام در لغت به معنای بزرگ شمردن کسی یا چیزی است به نحوی که آن را گرامی داری و به او نفعی رسانی. (لسان العرب، ج ۱۲ ص ۷۶) در تکریم کودک روایت زیادی به چشم می خورد که حاکی از این اصل مهم است. از نظر رسول خدا تکریم انسان، از کودکی شروع می شود و شامل مصادیق کوچک و بزرگ می شود. برای مثال نام نیک نهادن، عقیقه، سلام کردن به کودک، حتی محبت کردن نیز از موارد تکریم کودکان است. علت اینکه کرامت از کودکی شروع می شود این است که انسان زمانی کرامت می کند که کرامت را بیاموزد. برای اینکه انسان کریم شود لازم است ابتداء کرامت ببیند و مورد احترام واقع شود. رسول اکرم در این باره فرمود: «فرزندان خود را تکریم کنید و گرامی دارید و با آنان با آداب نیکو معاشرت کنید». (کنز العمال، ج ۱۶ ص ۴۵۶) پیامبر اکرم که برترین معلم بشریت است و رهنمود های خود را از منبع الهی وحی دریافت می کرد به تمامی کودکان به نحو عام احترام می گذاشت و به آن ها توجه می کرد تا به رشد عاطفی و روانی برسند. ایشان با تکریم و احترام زمینه تعلیم و تربیت دینی را در آن ها فراهم کردند. احترام و تکریم، کودک را تسلیم پذیر تر می کند و نسبت به دستورات دینی که مطابق با فطرت انسانی است منعطف تر می گرداند.

عدالت

از جمله مواردی که باید در محبت یا تکریم کودک مورد توجه قرار گیرد، تساوی و برابری میان کودکان است. پیامبر اکرم میان فرزندان خود حتی در تعداد بوسه یکسال عمل می کرد و فرمود: «از خدا بترسید و میان فرزندانتان به عدالت رفتار کنید همانطور که شما دوست دارید آنان با شما به نیکی و احسان رفتار کنند». (نهج الفصاحه، ج ۲ ص ۱۰۳۶) از ادامه این روایت این گونه فهم می شود که نحوه برخورد فرزند با والدین، آئینه برخورد آن ها با فرزندان است. همچنین امر به تقوای الهی و ترس از خدا در ابتدا روایت، اشاره به این دارد که تنها افراد متقی و خداترس به این نکته اهمیت می دهند. مصادیق عدالت در سیره ائمه حاکی از آن است که در اجرا، فرقی میان دختران و پسران وجود ندارد همانطور که ایشان به نحو مطلق فرمود: «فرزندانتان را تادیب کنید». (کنز العمال، ج ۱۶ ص ۴۴۱ و ۴۵۶)

پرهیز از اجبار

همانطور که در مصادیق بسیار گذشت، تمامی تلاش ائمه بر این بود که پابندی به ارزش های معنوی را از درون در فرزندانشان نهادینه کنند. آن ها فرزندان خود را امر به این امور نمی کردند و اجباری در کار نبود بلکه با نحوه برخورد صحیح و در نظر گرفتن شرایط و مراحل سنی، با کودک به نحوی برخورد می کردند که علاوه بر افزایش خود آگاهی، گرایشات درونی کودک نیز به سمت معنویت سوق پیدا کند. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۳)

قاطعیت و جدیت

برخورد محبت آمیز، تکریم و عدالت و جمیع اصول و مراحل تربیت، مانعی در جدیت برای تربیت صحیح به شمار نمی رود. پیامبر اکرم همان قدر که به کودکان عشق می ورزید، به تربیت و پرورش آن نیز اهمیت می داد و در این امر مصمم بود. آموزش قرآن و نماز و روزه به فرزندان از هفت سالگی دلیل بر این مدعاست. (همان، ج ۱۶، ص ۴۴۰)

نتیجه گیری

تربیت دینی تنها راه رسیدن به سعادت و مطلوب واقعی است که در سایه تمسک به سیره نبوی و ائمه معصومین به دست می آید. باید به امر تربیت از دوران کودکی پرداخته شود زیرا شاکله انسان در آینده، متشکل از آموزه های او در کودکی است. تربیت در کودکی دارای پیامد های فردی و اجتماعی است زیرا در آینده، هر فرد بخشی از اجتماع را تشکیل می دهد. البته تاکید آموزه های دینی و روانشناسی بر دوران کودکی، به این معنا نیست که جریان رشد ادامه نداشته باشد بلکه جریان رشد در هر فرد تا انتهای عمر تداوم دارد و در هر حال امکان سازندگی و تحول وجود دارد. انسان دارای شش مرحله رشد است که سه مرحله از آن یعنی دوران جنینی، دوران نوزادی و هفت سال اول عمر بیشتر مورد توجه پیشوایان دینی و روانشناسان است. به همین دلیل شناختن مراحل رشد، ویژگی ها و نیازهای کودک در هر دوره از سوی والدین بسیار حائز اهمیت است تا به هدف مطلوب برسند. اصول تربیتی نیز بسیار مورد توجه ائمه بالاخص رسول خدا بوده است و باید در امر تربیت مورد توجه قرار گیرد. اصل محبت و تکریم، زمینه برقراری ارتباط با کودک است و آنان را در برابر فرامین دینی تسلیم پذیرتر میکند. اصل محبت و اکرام در جای جای سیره نبوی به چشم می خورد و در کنار محبت هیچ گاه قاطعیت و جدیت مورد غفلت واقع نشده است. اصل عدالت و پرهیز از افراط هم از دیگر اصول تربیتی به شمار می رود. تمام تلاش ائمه بر درونی کردن ارزش ها و مفاهیم بوده به گونه ای که کودک از درون مسائل را بپذیرد تا در آینده با اقبال به سوی تکالیف دینی حرکت کند.

منابع

۱. - نهج الفصاحه، کلمات قصار رسول اکرم صلی الله علیه وآله، قم، انصاریان، ۱۳۷۹
۲. - ابن منظور، لسان العرب، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق
۳. - ابن سعد واقدی، محمد، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چ دوم، تهران، نو، ۱۳۶۹
۴. - اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفه الائمّه، ترجمه علی بن حسین زواره ای، چ دوم، قم، ادب الحوزه، ۱۳۴۶
۵. - حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا

۶. - حرّان‌ی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه احمد جنت‌ی، تهران، علمیه اسلامیه،
۱۳۶۳

۷. - دروزه، محمد عزه، عصر النبّی و بیئته قبل البعثه، چ دوم، بیروت، دارالیقظه العربیه، ۱۹۶۴م

۸. - دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان‌شناسی رشد (۲) بانگ‌رش به منابع اسلام‌ی، تهران، سمت،
۱۳۷۵

۹. - دلشاد تهران‌ی، مصطفی‌ی، سیری در تربیت اسلام‌ی، چ چهارم، تهران، ذکر، ۱۳۷۵

۱۰. - سیف، سوسن و دیگران، روان‌شناسی رشد (۱)، چ چهاردهم، تهران، سمت، ۱۳۸۲

۱۱. - صانع‌ی، سید مهدی، پژوهش‌ی در تعلیم و تربیت اسلام‌ی، بی‌جا، سناباد، ۱۳۷۸

۱۲. - طباطبائی‌ی، سید محمد حسین، آداب زندگی پیامبر (سنن النب‌ی)، چ چهارم، قم، همگرا، بی‌تا

۱۳. - طبرس‌ی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، تهران، فراهان‌ی، ۱۳۸۱

۱۴. - علی‌ی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۰م

۱۵. - فیض کاشان‌ی، ملا محسن، محجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، چ دوم، قم، انتشارات اسلام‌ی،
بی‌تا

۱۶. - قائم‌ی، علی‌ی، پرورش مذهب‌ی و اخلاق‌ی کودکان، چ چهارم، تهران، امیری، ۱۳۷۰

۱۷. - قرش‌ی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، چ ششم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۲

۱۸. - کلین‌ی، محمد بن یعقوب، اصول کافی‌ی، ترجمه و شرح محمد باقر کمره‌ای، تهران، اسوه، ۱۳۷۰

۱۹. - متقی هندی، حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹

۲۰. - مجلس‌ی، محمد باقر، بحار الانوار، ترجمه محمد جواد نجفی‌ی، تهران، کتابفروشی اسلامیه،

۱۳۵۴

۲۱. - محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی‌ی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷

۲۲. - نوری طبرس‌ی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، چ دوم، بیروت، آل‌البتیة للاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق